تحلیل اثرات اقتصادی- اجتماعی کلان‌شهرها بر روستاهای پیرامون شهری از دیدگاه جوامع محلی (مطالعه موردی: روستای مهرآباد- شهرستان دماوند)

محمد قاسمی‌سیانی*، اسداله نجفی**

تاریخ دریافت مقاله:	**۱۳۹۹/۰۵/۱۱**
تاریخ پذیرش مقاله:	**۱۳۹۹/۰۹/۰۲**

چکیده

شهرها و روستاها به‌عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل‌دهنده اصلی بنیان‌های جغرافیایی یک ناحیه بوده که دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند. گسترش شتابان تکنولوژی طی دهه‌های اخیر، شیوه سکونت و فعالیت را در شهرها و روستاها دگرگون ساخته‌است؛ این گسترش از یک‌سو باعث شهرگریزی و ازسوی‌دیگر باعث افزایش رغبت به خانه‌های دوم و استراحت در مکان‌هایی به دور از شهرها شده‌است. این موضوع به‌ویژه برای روستاهای هم‌جوار کلان‌شهرها، خصوصاً تهران و شهرهای بزرگ جدی است؛ بنابراین هر سکونتگاه روستایی که در حاشیه و پیرامون این مراکز شهری استقرار یافته باشد در معرض توجه و تأثیر قرار گرفته‌است که این امر در روستاها اثرات مختلفی را بر جای گذاشته‌است حال اینکه روستاییان چه ادارکی از این تحولات و تغییرات دارند و چگونه اثرات آن را درک می‌نمایند موضوعی است که بایستی مورد بررسی و تحقیق قرار بگیرد. هدف این مقاله بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی حاصل از گسترش و رشد کلان‌شهر تهران در روستای مهرآباد از دیدگاه خود روستاییان است. روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی و میدانی و روش کمی و کیفی است، جامعه آماری این پژوهش سرپرستان خانوار روستای مهرآباد (۶۱۲ خانوار) بوده که با توجه به محدودیت‌های مالی و زمانی، محقق با استفاده از فرمول کوکران، ۲۳۰ نفر از سرپرستان خانوار را به‌عنوان جامعهٔ نمونه در نظر گرفته‌است و در ادامه پرسش‌نامه‌ها به‌صورت تصادفی در میان سرپرستان خانوار توزیع گردید و با استفاده از نرم افزار SPSS پرسش‌نامه‌ها تحلیل گردید، نتایج بیانگر آن بود که در بعد اجتماعی مهم‌ترین اثر رشد کلان‌شهرها و پدیده شهرگرایی، تغییر نگرش روستاییان نسبت به زندگی روستایی و فعالیت اقتصادی است و در بعد اقتصادی عدم تعادل در اشتغال و کاهش درآمد و پس‌انداز روستاییان که درنتیجه مغفول ماندن کشاورزی و دامداری رخ داده‌است مهم‌ترین اثر اقتصادی حاصل از گسترش رشد کلان‌شهری در روستای مهرآباد است.

کلمات کلیدی: روستا، کلان‌شهر، جامعه محلی، روستای مهرآباد، روستاهای پیراشهری.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی. Ghasemi_siani@yahoo.com
** سازمان راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای.

مقدمه

شهرها و روستاها به‌عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل‌دهنده اصلی بنیان‌های جغرافیایی یک ناحیه بوده که دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند. این کانون‌های سکونتگاهی در گذر تاریخ و به تبعیت از شرایط مکانی و زمانی آن ناحیه، شاهد دگرگونی اساسی در ساختار و کارکرد خود بوده‌اند. به‌دنبال تغییر در فضای محیطی این‌گونه جوامع، روابط و پیوندها و نوع مناسبات میان این دو عرصه جمعیتی دستخوش تحولات بنیادین گردیده‌است (افراخته، ۱۰:۱۳۹۲). بررسی نسبت تغییرات جمعیتی سکونتگاه های شهری و روستایی در ایران-به‌عنوان کشوری درحال‌توسعه- طی نیم‌قرن اخیر مشابه تغییرات کل جمعیت کشورهای جهان و شدیدتر از کشورهای درحال‌توسعه بوده‌است (ضیاء توانا و قادرمرزی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). مطالعه سرشماری‌های رسمی ایران در پنجاه سال گذشته نشان می‌دهد که سهم جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت کشور به‌صورتی معکوس دگرگون شده و نسبت جمعیت روستایی و شهری به ترتیب از ٦٨/٥ و ٣١/٥ درصد در سال ١٣٣٥ به ٣١/٥ و ٦٨/٥ درصد در سال ١٣٨٥ و به ٧٤ درصد در سال ١٣٩٥ رسیده‌است. این دگرگونی‌های نسبی جمعیت در ایران نشان از رشد شتابان شهرنشینی، شهرشدگی روستا، روستاگریزی، روند نامتعادل‌تر شدن توزیع فضایی جمعیت و نظایر این‌ها دارد. به‌نظر می‌رسد که چهار عامل عمده در این جریان نقش‌آفرین بوده‌اند: ١- حرکت انبوه مردم از روستاها به شهرها؛ ٢- تبدیل برخی از روستاها به شهر؛ ٣- رشد طبیعی جمعیت شهرها؛ و ٤- گسترش فیزیکی شهرها و به‌تبع آن ادغام روستاهای مجاور در فضای شهر (قادرمزی و افشاری،١٣٨٧: ٣)؛ اما شهرها نمی توانند برای همه جمعیت افزوده‌شده فضای حیاتی مناسبی فراهم کند و به همین خاطر بخشی از جمعیت اضافه‌شده به شهر به پیرامون آن رانده می‌شوند. این موضوع از دو منظر قابل توجه است؛ در دیدگاه اول روستاییان فقیر و کارگری که توان جذب در نقاط شهری را به‌لحاظ مالی و اجتماعی ندارند به روستاهای هم‌جوار شهرها که از لحاظ هزینه‌های زندگی در سطح پایین‌تری قرار دارد رانده می‌شوند، در این مورد سکونتگاه‌های روستایی نزدیک به شهر اصلی ترین مکان جذب چنین جمعیتی هستند. درواقع مجاورت با شهر امکان استفاده از خدمات موجود در شهر را به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی برای ساکنان این گونه روستاها امکان پذیر می‌سازد. درنتیجه بسیاری از مهاجران به شهر به‌دلیل پایین بودن هزینه‌های زندگی و مخصوصاً هزینه‌های تأمین زمین و مسکن در روستاهای پیرامونی نسبت به شهر، به این‌گونه روستاها مهاجرت می‌کنند. در چنین فرایندی، بسیاری از این روستاها پس از مدتی کارکرد «سکونتی- خوابگاهی» پیدا خواهند کرد؛ یعنی بیشتر ساکنان آن ها روزها در مشاغل مختلف شهر اشتغال پیدا می‌کنند و شب‌ها در روستاهای پیرامون شهر به‌سر می‌برند. به‌این‌ترتیب اقتصاد روستا تحت تأثیر هم‌جواری با شهر به‌تدریج تغییر پیدا می‌کند و از مکانی تولیدی با محتوایی غالباً کشاورزی، به کانونی بی‌هویت و مصرف‌کننده منابع شهر تبدیل می‌گردد و درنتیجه ساختار اقتصادی روستا تابع فرایندهای اقتصادی شهر می‌شود، بنابراین مهاجرپذیری روستاها که پدیده‌ای نو و مختص نیم‌قرن اخیر است در اثر این پدیده شکل گرفته‌است (رضوانی،١٣٩١،٨٦). این موضوع در بیشتر روستاهای نزدیک به شهرهای بزرگ به‌ویژه پایتخت صورت پذیرفته‌است. در اثر مهاجرپذیری، جمعیت این روستاها فوق‌العاده افزایش می‌یابد و باعث گسترش

فیزیکی و کالبدی روستاها به زمین‌های کشاورزی نزدیک روستا می‌شود. فرصت‌های شغلی، عمدتا در بخش خدمات، زمینه تأمین درآمد و کار را برای ساکنین روستاهای واقع در حریم شهرها فراهم آورده‌است. از دیدگاه دوم، روستاهایی که خوش آب‌وهوا بوده و به‌نوعی به مراکز شهری نزدیک هستند باعث توجه قشر متوسط رو به بالای جامعه شهری برای استراحت و تفریح به دور از هیاهوی شهری شده‌است. در این مورد زمین‌های کشاورزی و باغات روستاییان مورد توجه شهرنشینان واقع می‌شود و به‌تدریج گسترش کابد روستا به پیرامون و دست‌اندازی به اراضی کشاورزی اطراف، محدودیت‌ها و زیان‌های کالبدی اقتصادی اجتماعی و محیطی خاص خود را نیز تحمیل می‌نماید؛ از یک‌سو ساختار معیشت روستا تحت تأثیر هم‌جواری با شهر به‌تدریج تغییر ماهیت داده و از مکانی تولیدی با محتوایی غالباً کشاورزی به کانونی بی‌هویت و انگل شهر تبدیل و درنتیجه ساخت اقتصادی روستا تابع فرایندهای اقتصادی شهر می‌شود؛ از طرفی، وجوه اجتماعی- فرهنگی ساکنان روستاها نیز با فاصله گرفتن از تحولات و پویایی اندام‌وار درونی متأثر از جریانات و تحولات اجتماعی- فرهنگی بیرونی و برآمده از شهر می‌شود که به‌دلیل سرعت و شدت اثرگذاری، نتیجه‌ای جز دگرسویی با ساخت اجتماعی موجود در روستا را ندارد. از بعد کالبدی زمین‌های زراعی روستا، ارزش تجاری یافته و بازار خریدوفروش زمین‌های زراعی و تبدیل آن‌ها به زمین‌های مسکونی، خدماتی و تفریحی رونق می‌گیرد. دراین‌بین، افزون بر اینکه بافت و کالبد روستا دستخوش تغییر کارکرد و ماهیت می‌شود، به‌تدریج طبقه‌ای از صاحبان درآمدهای بالنسبه هنگفت (در مقیاس روستا) شکل می‌گیرد که خود عامل تشدید و رونق بازار زمین در روستا می‌گردد؛ افزایش تقاضا برای مسکن ازجمله عوامل دیگر برای ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه و بی‌رویه است که خود نقشی اساسی در آشفتگی ساخت و بافت کالبدی روستا ایفا می‌نماید. آثار و پیامدهای حاصل از روابط نابرابر و بعضاً مخرب تحمیل‌شده از شهر به روستاهای پیرامونی تنها معطوف به موارد مذکور نبوده، بلکه در ابعاد دیگری نظیر زیست محیطی، فضایی و مدیریتی- نهادی نیز دارای مسائل متعددی است.

در این راستا، روستای مهرآباد به‌عنوان یکی از روستاهای نزدیک و خوش آب‌وهوای تهران، اثرات این پدیده را شاهد بوده و به‌نوعی تحت تأثیر و توجه شهرنشینان قرار گرفته‌است. این روستا در دهه‌های اخیر، اراضی کشاورزی و باغات پیرامون خود را برای اسکان ارزان‌قیمت از دست داده‌است و همچنین ازسوی‌دیگر تحت نفوذ ویلاسازی و ایجاد خانه‌های دوم بسیاری از باغات و خانه‌های روستایی تخریب و به ویلا تبدیل شده‌است؛ بنابراین چهره روستا تحت نفوذ شهر، بر اثر افزایش شدید جمعیت و به‌تبع آن گسترش فضایی، تغییرات قابل توجهی را به خود دیده‌است. نقش خوابگاهی و کارگاهی روستا غالب گشته‌است و باعث جابه جایی سریع و تراکم شدید جمعیت شده و بافت ارگانیک و سنتی این روستا به‌هم‌ریخته است. (بنا به گفته شورای اسلامی روستا در ۱۰ سال اخیر بالغ بر ۳۰ ویلا و باغ توسط سرمایه‌داران شهر تهران در این روستا خریده یا ساخته شده‌است). به‌این‌ترتیب، در این روستا، حجم وسیعی از جمعیت که هیچ گونه وابستگی ریشه‌ای به محل سکونت خود ندارند، تجمع یافته‌اند. از آنجایی که گسترش فضائی شهر بالأخص در ساله‌های اخیر به‌صورت گسترش غیرارگانیک بوده، دگرگونی‌هایی را به‌دنبال داشته که این دگرگونی‌ها در ابعاد مختلف پیامدهایی را شکل داده‌است. در همین

راستا پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی اثرات و دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی این پدیده می‌پردازد. این پژوهش به‌دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که رشد و گسترش شهر چه اثرات اجتماعی- اقتصادی را در روستای مهرآباد در بر داشته‌است؟ و روستاییان چه ادراکی از این تحولات دارند؟

ادبیات موضوع

با عنایت به گستردگی موضوع، پژوهش‌های زیادی در این خصوص انجام شده‌است. در یک دسته‌بندی کلی برخی پژوهش‌ها موضوع خزش شهری را بر تصرف زمین و تغییر کاربری اراضی محدود نموده‌اند. ازجمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش افراخته و حجی‌پور (۱۳۹۲)، جلالیان و همکاران (۱۳۹۲) و ... و همچنین مطالعات خارجی مانند پژوهش چالتو تافا (۲۰۱٤) در اتیوپی شرقی، بی انسا (۲۰۱۲) در رومانی که شاهدی بر خزش شهری و تغییر گسترده کاربری اراضی هستند اشاره کرد. این تحقیقات مهم‌ترین اثر رشد و گسترش شهری (پراکنده‌رویی) را تخریب زمین‌های کشاورزی روستاهای پیرامون و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی به تجاری و صنعتی و مسکونی بیان نموده‌اند. برخی دیگر از پژوهش‌ها اثرات پراکنده‌رویی را به‌صورت مشخص بر تخریب محیط‌زیست، اندازه مصرف منابع طبیعی وکارآیی زیرساخت‌ها مورد توجه قرار داده‌اند (Batty et al: 2003, Alberti, 2005: Burchell et al, 2002)؛ و دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها به بررسی اثرات اجتماعی پرداخته‌اند ازجمله گوردون و ریچاردسون بیان می‌کند که پراکنده‌رویی ارتقاءدهنده کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی است (Gordon and Richardson, 1997; Bruekner: 2000). در اغلب مطالعات، بیشترین وفاق بر تأثیرات منفی پراکنده‌رویی متمرکز شده‌است (Muller and Hmilton, 1994). پیامدهای منفی پراکنده‌رویی عبارت‌اند از: تخریب محیط‌زیست، از بین رفتن اراضی زراعی، از بین رفتن فضاهای باز، تشدید مسئله ترافیک، کاهش درآمد، افزایش هزینه‌های پنهان و از دست رفتن حس جمعی در روستاها است (Bengston et al , 2005).

سعیدی، رحمانی فضلی و احمدی (۱۳۹۲) نتیجه رشد شهری و الحاق روستاها به شهر را با پیامدهای متعددی نظیر افزایش جمعیت به‌واسطه ورود مهاجران روستایی و شهری و به‌دنبال آن پیدایش حاشیه‌نشینی، تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی و خدماتی، آلودگی و مسائل زیست‌محیطی در روستاها برشمرده‌اند. عمده تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که بیشتر این تحقیقات به بررسی و تبیین اثرات منفی، به‌خصوص در بعد زیست‌محیطی و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی پرداخته‌اند و کمتر به بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن و مهم‌تر آنکه به روش کمی و کیفی از دیدگاه خود روستاییان انجام پذیرفته باشد، پرداخته‌اند. وجه تمایز این پژوهش این است که به دور از مسائل محیطی و کالبدی ازجمله تغییر کاربری اراضی، آلودگی‌های محیطی و زیستی روستا، ایجاد تراکم و افزایش جمعیت به‌خصوص در ایام تعطیل به بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی ورود این مهاجرین به روستا از دیدگاه خود روستاییان می‌پردازد.

شهرها و روستاها به‌عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل‌دهنده اصلی بنیان‌های جغرافیایی یک ناحیه بوده که دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند، این کانون‌های سکونتگاهی در گذر تاریخ و به تبعیت از شرایط مکانی و زمانی آن ناحیه، شاهد دگرگونی اساسی در ساختار و کارکرد خود بوده‌اند (محمدی، مرادی و حسینی، ۱۳۹۷).

یکی از تغییرات مهم در مناسبات این سکونتگاه‌ها، گسترش یا خزش شهرها به محدوده روستاهای پیرامون است. با گسترش فضای شهری، میزان ناهنجاری‌های شهری در نواحی حاشیه‌ای افزایش می‌یابد. محیط اجتماعی و مسکونی، ساختارهای نامناسب شغلی، ناکامی اجتماعی و فقر اقتصادی، زمینه بروز آسیب‌های شهری و رشد بی‌رویه و لجام‌گسیخته ناهنجاری‌ها و نیز گسترش ناامنی اجتماعی را در حاشیه فراهم می‌آورد (کارگر و سرور، ۱۳۹۰: ۷).

در طول نیمه دوم قرن بیستم، مهاجرت به مرکز شهر وارونه شده و جمعیت به خارج از شهر و در داخل حومه‌ها سرریز شده‌اند (Krieger, 1999: 16). اصطلاح خزش (sprawl) یا پراکندگی تا اواسط دهه ۱۹۴۰ جزئی از واژه‌نامه کاربری زمین بوده‌است. درحالی‌که از دهه ۱۹۷۰ به‌طور سنتی به‌عنوان پیشوند کلمه شهر و روستایی به واژه‌نامه کاربری زمین وارد شده‌است. خزش روستایی را می‌توان به‌عنوان مظهر جمعیتی در مکتب محافظه‌کارانه آمریکا از جنبش‌های اقتصادی و اجتماعی دهه ۱۹۶۰ دانست.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که همواره محققان در زمینه پراکنده‌رویی به آن اشاره می‌کنند، فقدان تعریف جامع و کامل از این پدیده است، به‌طوری‌که آنان مدعی‌اند که مفهوم این پدیده فاقد تعریف واحد و روشن است (Wilson et al., 2003; Johnson, 2001; Angel et al., 2007; Ashkenazi and Frankel, 2007). بررسی تعاریف ارائه‌شده از سوی صاحبان‌نظران، نشان می‌دهد که تعدادی از آن‌ها نظیر کلاسون، هاروی و کلارک، آرچر و اوتنسمان بیشتر بر ابعاد کالبدی تأکید دارند و آن را گسترش شهرها به‌صورت ساخت پراکنده، کم‌تراکم پیوسته، منفرق و تجاری خطی در امتداد محورهای دسترسی برون‌شهری می‌دانند (Clawson, 1962; Harvey and Clark, 1965; Archer, 1973; Otensman, 1977). این طرز تلقی صرفاً کالبدی از پدیده تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی حاکم بوده‌است ولی در ادامه و با طرح شدن پیامدهای زیست محیطی و حساسیت‌های عمومی به آن، افرادی چون اوینگ و گالستر و داونز، علاوه بر ابعاد کالبدی به پیامدهای زیست‌محیطی نیز تأکید می‌کنند و پراکنده‌رویی را نه الگویی برای گسترش شهری، بلکه الگویی می‌دانند که پیامدهای محیطی زیادی در پی دارد (Ewing, 1997; Downs, 2001).

هایوارد (Hayward) معتقد است هم‌اکنون مردم بیشتری استطاعت مالی برای زندگی در حومه دارند تا نسل‌های گذشته. با این ذهنیت، غیرواقعی است که انتظار داشته باشیم شهرها با تراکم قبلی خود رشد کنند همان‌گونه که طبقه میانی با موفقیت و میزان بیشتری رشد می‌کند. علاوه بر این، همان‌گونه که مردم بیشتر و بیشتری به طبقه میانی بالاتر وارد می‌شوند تقاضا برای خانه‌های بزرگ‌تر با حیاط‌های بزرگ‌تر نیز افزایش می‌یابد. حال با عنایت به نبود زمین فراوان در داخل بافت شهرها، تمایل به خروج از شهر و سکونت دوم در روستاهای نزدیک شهرها افزایش یافته است، هجوم طبقه متوسط رو به بالا به روستاهای نزدیک کلان‌شهرها و خرید زمین یا باغ‌های روستائیان برای ایجاد مکان استراحت (خانه‌های دوم) در جامعه مقصد دارای اثرات فراوان محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است. براین‌اساس این پژوهش در پی بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی پدیده خزش شهری در جامعه مقصد (روستا) است بنابراین تصویر شماره ۱ برای بررسی ارائه می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر ماهیت کاربردی و به‌لحاظ روش توصیفی- تحلیلی بوده‌است. رویکرد حاکم بر پژوهش، رهیافتی ترکیبی از دو روش کمی و کیفی

است. به‌این‌ترتیب در ابتدا به روش کیفی مصاحبه‌هایی در بررسی و ارزیابی اثرات خزش شهری و رشدشهرگرایی در روستای مهرآباد انجام پذیرفت و مقوله‌ها و ابعاد اثرات مورد شناسایی قرار گرفت، سپس مقوله‌های شناسایی‌شده، شاخص‌سازی گردید و به روش کمی، شاخص‌ها مورد پرسش و بررسی قرار گرفت. در روش کیفی اطلاعات مورد نیاز به‌منظور شناسایی مهم‌ترین پیامدها و تأثیرات پدیده رشد کلان‌شهری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی روستا به روش مصاحبه جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری اطلاعات به روش مصاحبه در گروه مسئولان و متخصصان آگاه به شرایط روستا تعداد ۱۵ مصاحبه به انجام رسید. این مصاحبه‌ها با دهیار (۱ مصاحبه)، شورای اسلامی روستا (۳ مصاحبه)، شهردار و کارمندان شهرداری شهر بومهن (۳ مصاحبه)، افراد متخصص و صاحب نفوذ مقیم در روستا (۵ مصاحبه) (متخصصین شامل، نفر ۱ بنگاه املاک مقیم، ۳ نفر از بزرگان و ریش‌سفیدان، ۱ رئیس شورای روستا) و افراد تحصیل‌کرده و مقیم در تهران و دماوند (۳ مصاحبه یک نفر دکتری و ۲ نفر کارشناس ارشد) انجام پذیرفت.

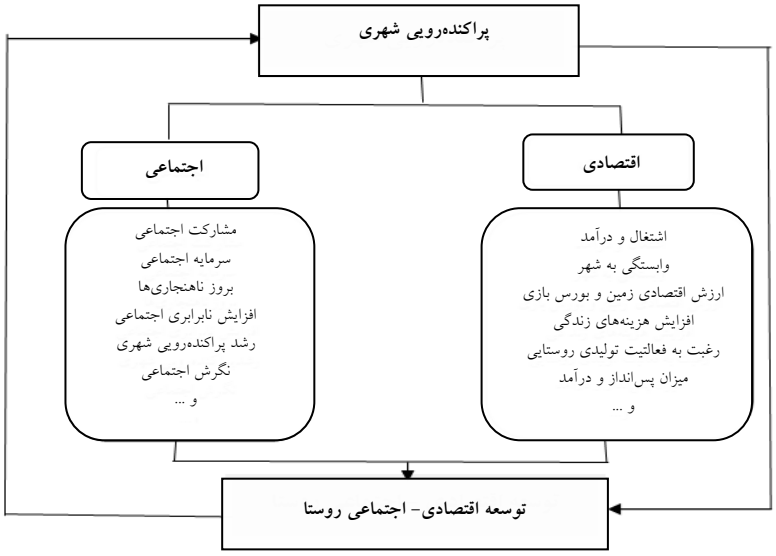

ت۱. مدل مفهومی تحقیق پژوهش.

سپس در ادامه و در روش کمی پرسش‌نامه‌ای بین سرپرستان خانوارهای روستای مهرآباد توزیع و جمع‌آوری شد. این پرسش‌نامه حاوی سؤالاتی در خصوص اثرات شناسایی‌شده اجتماعی و اقتصادی ورود مهاجران و همچنین جامعه شهری در روستا بود. بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، تجزیه‌وتحلیل اطلاعات با نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفت. گاه جامعه آماری این پژوهش دو گروه مردم محلی (در روش کمی) یعنی روستاییان ساکن در روستای مورد مطالعه و نیز گروه متخصصان و آگاهان دربرگیرنده مسئولان اجرایی، مدیران و متخصصان توسعهٔ روستایی آشنا به شرایط منطقه (در روش کیفی) بود. برای تعیین حجم نمونه در گروه سرپرستان خانوار با اعمال فرمول کوکران از میان ۶۱۲ خانوار روستا تعداد ۲۳۰ خانوار به‌عنوان حجم نمونه تعیین شده‌اند. توزیع پرسش‌نامه‌ها در میان سرپرستان خانوار روستاهای نمونه، به روش تصادفی ساده انجام گرفت.

روستای مهرآباد از توابع دهستان مهرآباد، بخش

رودهن، شهرستان دماوند استان تهران است. این روستا در جنوب جاده ارتباطی اصلی تهران- دماوند قرار دارد. براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، جمعیت آن ۱۵۹۲ نفر (٤١٢ خانوار) بوده‌است. در سال ۱۳۹۵ جمعیت برابر با ۳۲۷۸ نفر و ٦١٢ خانوار بوده‌است. با گذر زمان و گسترش فضای این روستا و افزایش جمعیت از طریق مهاجرت، ویلاسازی و توجه شهرنشینان به باغات روستا و احداث بیش از ٤٥٠٠ واحد مسکن مهر در این منطقه، (در زمان برداشت میدانی هنوز مساکن مهر به‌طور کامل تحویل نشده بود) فعالیت کشاورزی تا حدودی رونق خود را از دست داده ولی بااین‌حال هستند مردمانی که همچنان به کشاورزی و دامداری و باغداری فعالیت دارند (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، طرح هادی روستا، شرکت مهندسین مشاور نقش کلیک ١٣٩٤) (تصویر شماره۲).

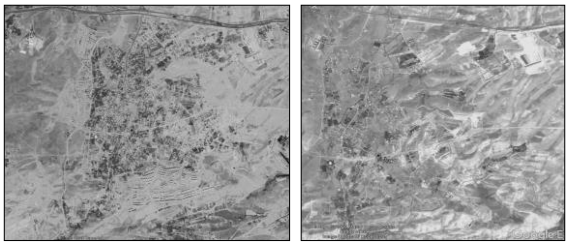

ت۲. روند توسعه و گسترش روستای مهرآباد، تصویر سمت راست عکس هوایی روستای مهرآباد در سال ۲۰۰۵، تصویر سمت چپ عکس هوایی روستای مهرآباد در سال ۲۰۱۸.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به تفکیک به بررسی و تحلیل یافته‌های پژوهش در دو بخش کمی و کیفی پرداخته می‌شود.

یافته‌های بخش کیفی

در مرحله کیفی تعداد ۱۵ مصاحبه در ارتباط با ارزیابی و اثرگذاری پدیده خزش شهری بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستای مهرآباد انجام شد. سپس مصاحبه‌های به روش تئوری بنیادی، در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت، لازم به ذکر است مصاحبه‌ها تا تحقق اشباع نظری به‌صورت نیمه‌ساختاریافته ادامه پیدا کرد. در ادامه ضمن پرهیز از اطاله کلام، نتایج در مراحل کدگذاری (انتخابی و محوری) به‌صورت جدولی نشان داده می‌شود. جدول شماره ۱، مقوله‌ها و مفاهیم اصلی را نشان می‌دهد.

دگردیسی و نارسایی اجتماعی

با گسترده شدن اجتماع روستایی در مهرآباد و ورود شهرنشینان با سبک و سیاق متفاوت به شهر و رواج آداب و رسوم شهری در روستا، به‌نوعی یک ناهمگونی در جامعه روستایی به‌وجود آمده‌است و بسیاری از ارزش‌های روستای مهرآباد به فراموشی سپرده شده و رو به نابودی گذاشته‌است، ارزش‌هایی همانند وفاداری به میراث گذشتگان، احترام به زمین و آب، دوری از اسراف، خوداتکا و تولیدی بودن، صمیمیت و همدلی و ... به فراموشی سپرده شد و فرهنگ شهری در روستا رسوخ پیدا کرده‌است. در این فرایند ارزش‌ها و نگرش‌های روستاییان تغییر کرده و به‌نوعی در مدرنسیم شهری حل شده و سرمایه اجتماعی روستا کمرنگ گردیده؛ دیگر جوانان نسل دوم و سوم تمایلی به شغل کشاورزی و دامداری نداشته و شغل‌های خدماتی و حتی کاذب را درآمدزا دانسته و با فروش زمین پدری، به‌سمت این‌گونه شغل‌ها حرکت می‌نمایند، با رواج فرهنگ شبه شهری، تجمل‌گرایی افزایش یافته و حتی این موضوع در سبک زندگی نیز تأثیرگذاشته‌است و منجر به ایجاد خانواده‌هایی یک یا دو فرزندی به سبک زندگی شهرنشینی شده‌است.

ازسوی‌دیگر مشارکت، همیاری، همدلی در روستا کاهش پیدا کرده و بسیاری از امور روستا که قبلاً به‌صورت مشارکتی انجام شده‌است اکنون جزو وظایف

شورا و دهیاری دانسته می‌شود و اهالی مشارکتی در عمران و آبادانی روستا ندارند.

مقوله اصلی	مقوله‌ها	مفاهیم
دگردیسی و نارسایی اجتماعی (فرهنگی)	تغییر ارزش‌های اجتماعی	کاهش تمایل به شغل کشاورزی، کاهش تمایل به شغل دامداری، افزایش تجمل‌گرایی، رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، تغییر سبک زندگی، تمایل به کاهش فرزندآوری
	کاهش سرمایه اجتماعی	کاهش روحیه مشارکت، کاهش همکاری و همیاری مردم با یکدیگر، تغییر همگنی روستا، کاهش اعتماد مردم به یکدیگر، افزایش درگیری و نزاع، تفاوت سطح اجتماعی مردم، کاهش همدلی و همیاری
	تغییر نگرش	کاهش دلبستگی به کشاورزی، افزایش فعالیت‌های خدماتی، رواج اشتغال کاذب، فروش زمین، ترجیح روستاییان به زندگی در شهر، اعتقاد به تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی
	افزایش ناهنجاری	افزایش نزاع و درگیری، افزایش اعتیاد، رواج ماهواره، افزایش جرم‌های فردی، احساس فقر، افزایش استفاده از مشروبات الکلی
	افزایش نابرابری اجتماعی	افزایش نابرابری، ایجاد فاصله طبقاتی، افزایش احساس فقر
	غلبه فرهنگ شهرگرایی	کاهش دامداری و کشاورزی، گرایش به خرید کالاهای لوکس، کاهش فرهنگ تولیدی، افزایش میل به اوقات فراغت، تغییر ساختار جمعیت، کاهش صمیمیت، کاهش ارتباطات فامیلی
دگردیسی و نارسایی اقتصادی	عدم تعادل در اشتغال	افزایش بیکاری، کاهش سطح فعالیت کشاورزی، کاهش اشتغال زنان، عدم تمایل جوانان به اشتغال اجدادی، عدم امکان فعالیت دامداری در داخل بافت روستا، گرایش با ساخت زمین‌های کشاورزی، افزایش شغل‌های کاذب، بنگاه‌داری، افزایش فعالیت‌های خدماتی
	افزایش هزینه‌ها	کاهش توان تأمین هزینه‌های خانوار، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، کاهش قدرت خرید، عدم کفایت قیمت محصولات کشاورزی نسبت به هزینه‌ها، تورم
	کاهش درآمد و پس‌انداز	کاهش درآمد، افزایش هزینه‌ها و کاهش پس‌انداز، ترویج مصرف‌گرایی، تخریب اراضی به ویلا سازی و کاهش درآمد، نابودی دامداری
	افزایش ارزش اقتصادی زمین	ویلاسازی، افزایش ارزش اقتصادی زمین، تمایل شهرنشینان به خرید زمین‌های روستا، افزایش کاربری‌های تجاری و مسکونی، فروش زمین‌های زراعی و باغی، افزایش بورس‌بازی زمین

ج۱. مقوله‌ها و مفاهیم در مرحله کدگذاری انتخابی.

تغییر ارزش‌های و کاهش سرمایه اجتماعی منجر به افزایش ناهنجاری و رواج خشونت و دزدی شده، درحال‌حاضر ورود ماهواره به روستا و تغییر سبک زندگی در روستا باعث مشکلات زیادی در بین خانوارهای روستایی گردیده‌است؛ ازجمله در پایان هفته‌ها بسیاری از تازه‌واردان با برپایی مراسم‌های جشن و دورهمی، مزاحمت‌هایی را برای ساکنان اصیل روستا ایجاد کرده و این امر در تغییر روحیه و منش جوانان تأثیرگذار بوده‌است. این موارد همگی به افزایش نابرابری‌ها در روستا منجر شده‌است.

... پولدارها از تهران آمده‌اند اینجا ویلاسازی کرده، باغ خریده‌اند، آن‌ها مراسمات تولد و عروسی خود را در این باغ‌ها برگزار می‌کنند، فرهنگ آن‌ها با فرهنگ ما تناسب ندارد، کارها و مراسمات آن‌ها با مراسمات ما متفاوت است، این موارد باعث شده جوانان ما تحت تأثیر قرار بگیرند، اثر این کارها را نمی‌شود با عدد و رقم بیان کرد ... در یک کلام این‌ها باعث رواج فساد و ناهنجاری در روستا شده‌است...

ازسوی‌دیگر با فروش زمین در روستا و افزایش رشد مقطعی سرمایه و افزایش مناسبات اجتماعی آنان با شهرنشینان و رسومات شهری سبب شده تا برخی عادات و مراسمات اجتماعی- فرهنگی روستائیان همچون شیوه همسریابی، شیوه برگزاری مراسم عروسی و حتی عزاداری‌ها به‌سوی همسانی با الگوهای موجود در شهر تهران و دماوند پیش رود.

از خصایص فرهنگی روستاییان که دارای نمودهای اجتماعی متعددی در حوزه‌های مختلف زندگی آنان بوده، مشارکت است. همکاری و مشارکت درون‌گروهی در کشور ما هم دارای ریشه اعتقادی و هم مادی و اقتصادی است. مطالعات میدانی در روستای مهرآباد حاکی از آن است که به‌دنبال افزایش درآمد خانوارها تا حدودی مشارکت، وفاق و همدلی میان آنان تنزل یافته‌است. درواقع برخی از اهالی به‌سبب برتری مالی که در نتیجه برخورداری از زمین بیشتر بوده، توجهشان

به دیگران کمتر شده و همچنین به‌مرور از میزان بخشش و ازخودگذشتگی آن‌ها نیز کاهش داشته‌است.

... ببینید در گذشته وقتی در روستا خرابی یا مشکلی بود همه دست در دست هم درست می‌کردند، الآن چی، جوانان و روستاییان می‌خواهند عین شهری‌ها باشند، مثلاً یک مشکلی در روستا است می‌گویید بیایید درست کنیم جواب می‌دهند پس دهیاری چه‌کار می‌کند، وظیفه ما نیست، شورا داریم، دهیار داریم. برخی هم زمین کشاورزی خود را فروخته، در شهر خانه‌ای خریدند و فقط ایام تعطیل به روستا می‌آیند آن‌ها دیگر خود را روستایی نمی‌دانند برای روستا دلسوزی نمی‌کنند، شهری شده‌اند ...

کاهش روحیه تلاش و سخت‌کوشی در میان روستاییان به‌منظور کسب روزی حلال و درعوض جایگزینی فرهنگ کسب پردرآمد با حداقل کار، بروز تنش‌ها و مجادلات درون خانواری به‌سبب افزایش تقاضای تهیه وسایلی از سوی اعضای خانوار که بعضاً متناسب با شرایط و ساختار زندگی خانواده نبوده (مانند اتومبیل‌ها لوکس و گران‌قیمت و وسایل تجملی) و همچنین رواج چشم و هم‌چشمی در میان روستاییان نسبت به گذشته از دیگر پیامدهای فرهنگی رشد شهرگرایی، افزایش تقاضا برای خرید زمین‌های روستایی و افزایش قیمت زمین‌های تحت اختیار روستاییان است؛ بنابراین با پدیده خزش شهری به روستاهای مهرآباد، ارزش‌های اجتماعی روستا تغییر کرده‌است و این امر به کاهش سرمایه اجتماعی در روستا منجر شده‌است و نگرش روستایی براین‌اساس تغییر یافته‌است. با غلبه فرهنگ شهرنشینی و رسوخ جامعه‌ای نسبتاً مرفه در روستا، نابرابری‌های اجتماعی تشدید شده‌است و احساس فقر در بین مردم روستا به‌شدت نمایان شده‌است، این موضوع به افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی انجام شده است و در روستا نزاع و کشمکش نسبت به قبل شدت یافته‌است و وقوع پدیده بزه و ناهنجاری و نابرابری اجتماعی به‌نوعی به دگردیسی و نارسایی اجتماعی در کل روستا منجر شده‌است. تصویر شماره ۳ وقوع اثرات اجتماعی پدیده خزش شهری را در روستای مهرآباد نشان می‌دهد.

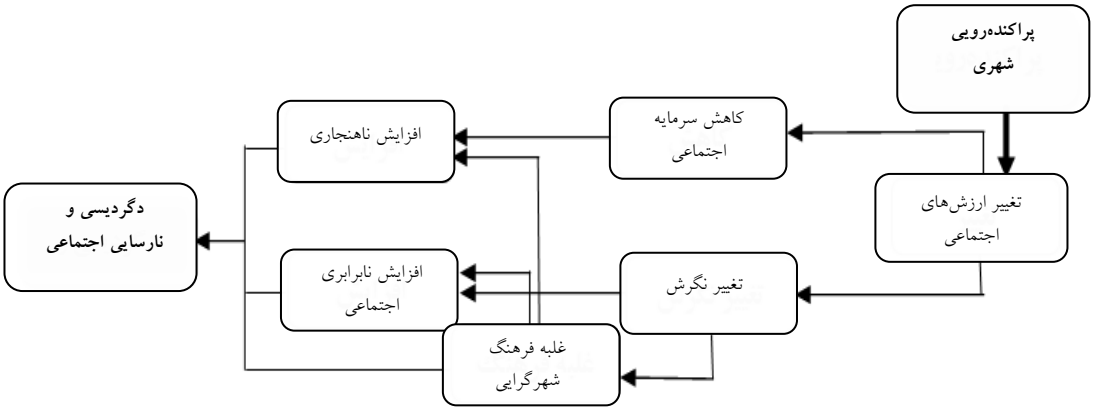

ت۳. تأثیرات اجتماعی خزش شهری در روستای مهرآباد.

دگردیسی و نارسایی اقتصادی

در روستای مهرآباد بر اثر هجوم شهرنشینان برای ایجاد خانه‌های دوم و داشتن باغ و مکان تفریحی دست‌اندازی به زمین‌های زراعی و کشاورزی شدت یافته‌است، با افزایش تقاضا برای زمین و کاهش جاذبه‌های فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در طی چند سال اخیر

و بـا افـزایش قیمـت زمـین، فـروش قطعـات زمـین کشاورزی و باغی در روستا شدت گرفتـه‌اسـت. بخـش زیادی از روستاییان و مالکین اولیه به‌دنبال منفعت‌طلبـی و سوق دادن برخی از افـراد بیرونـی اقـدام بـه فـروش اراضی خود کرده‌اند، در این وضع برخی روسـتاییان بـا فروش زمین، سود زیاد و سرمایه قابل توجهی به‌دسـت آورده کـه ایـن امـر باعـث گـرایش آن‌هـا بـه زنـدگی شبه‌شهری و یا حتی مهاجرت به شهر شـده‌اسـت. ایـن روستاییان با کنار نهـادن شـغل کشـاورزی و دامـداری، گـرایش بـه زنـدگی لـوکس شـهری پیـدا کـرده‌انـد و مصرف‌گرایی در این گروه زیـاد شـده‌اسـت. عـده‌ای از اهالی روستا و جامعه روستایی مهرآبـاد بـا کنـار نهـادن شـغل کشـاورزی خـود بـه امـور خـدماتی، دلالـی و بورس‌بازی زمین روی آورده‌اند؛ شاهد این امر وجود ۵ بنگاه املاک در روستا است که همگی آن‌ها در ۱۰ سـال اخیر به‌وجود آمده‌اند. با عنایت به تعطیـل شـدن شـغل کشاورزی و دامـداری در روسـتا هـم‌اکنـون روسـتاییان به‌نوعی وابسته به تولیدات شـهری شـده و خانوارهـایی که قبلاً عرضه‌کننده گوشت، شـیر و نـان و ... بـوده‌انـد اکنـون احتیاجـات روزمـره خـود را از شـهرها و سوپرمارکت‌ها تهیه می‌کنند. هـم‌اکنـون در ایـن روسـتا از جنبه اجتماعی و فرهنگی شغل‌هایی نظیـر کشـاورزی و دامـداری دارای بـار منفـی و نگـرش منفـی هسـتند به‌نحـوی‌کـه در مصـاحبه‌هـا بـه‌کـرات بـه ایـن مـوارد اشاره می‌شد:

قبلاً در این روستا هر خانوار تعدادی دام و طیور داشت خودش غذای خودش را تولید می‌کرد، تخم‌مرغ حتی بـه شهرها فروخته می‌شد، اکنون دیگر کمتر کسی رغبت بـه دامداری و کشاورزی نشان می‌دهـد، همـه مـواد بایـد از مغـازه خریـده شـود، حتـی در روسـتا نـانوایی ایجـاد شده‌است.

رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، لوکس‌گرایی و تغییر سبک زندگی باعث افـزایش هزینـه‌هـای زنـدگی خانوارهـای روستایی شده است به‌نحوی‌که هم‌اکنـون وسـیله نقلیـه جزو وسایل مورد نیاز همه در روسـتا شـده و بـا تغییـر سبک معماری و خانه‌سازی به سـبک شـهری و وجـود آشـپزخانه‌هـای ایـن (open) باعـث شـکل‌گیـری نـوع جدیدی از زندگی به سبک شهری با انواع لوازم مصرفی شده‌است.

مصرف‌گرایی از یک‌سو و تعطیلـی اشـتغال درآمـدزای کشاورزی و دامداری ازسوی‌دیگـر در بـین خانوارهـای روسـتا باعـث کـاهش درآمـد و پـس‌انـداز آن‌هـا گردیده‌است؛ بنابراین اشتغال و تولید که مهم‌ترین رکـن اقتصادی هر جامعه روستایی است و اشـتغال روسـتایی که بر مبنای کشاورزی و دامداری استوار است وقتی بـه نابودی کشیده شود و فرهنگ مصرف‌گرایی بـر فرهنـگ تولیـدی غالـب شـود اقتصـاد روسـتا بـه‌نـوعی دچـار دگردیسی و نارسایی خواهد شد و ایـن امـر بـر تمـامی شئون زندگی خانوارها تأثیرگـذار خواهـد بـود. تصـویر شماره ٤ روابط اقتصادی روسـتای مهرآبـاد را در رونـد خزش شهری نشان می‌دهد.

یافته‌های بخش کمی

بعد اجتماعی

برای تحلیل پرسش‌نامه‌هـا از آزمـون t تـک نمونـه‌ای استفاده شده‌است. در این بررسی مقـدار میـانگین برابـر عدد ۳ بـه‌عنـوان مطلوبیـت عـددی و مـورد انتظـار در نظرگرفتـه شـده‌اسـت؛ نتـایج نشـان مـی‌دهـد در بعـد اجتماعی تمامی شاخص‌ها و پیامدهای شناسایی‌شده در ارتباط با تأثیرات رشد کلان‌شهری در روسـتای مهرآبـاد مورد تأیید قرارگرفته‌است. جدول شماره ۲، نتـایج ایـن بررسی را در شاخص‌های اجتماعی نشان می‌دهد.

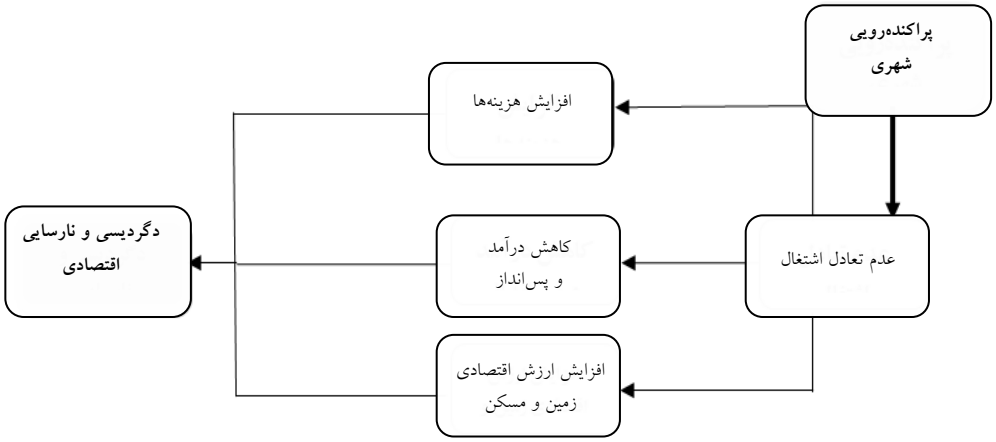

ت٤. تأثیرات اقتصادی خزش شهری در روستای مهرآباد.

بعد	مؤلفه	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	آزمون T	حد میانگین	نتیجه
اجتماعی	تغییر در مشارکت اجتماعی	۲۳۲	۰/۰۰۰	٤.۳۵	۳.۳٤	تأیید
	کاهش سرمایه اجتماعی	۲۳۲	۰/۰۰۰	۳.۵۱	۳.۵۱	تأیید
	رشد پدیده شهرگرایی	۲۳۲	۰/۰۰۰	۸.٤۵	۳.٦۷	تأیید
	افزایش نابرابری اجتماعی	۲۳۲	۰/۰۰۲	٤.٦۵	۳.۲۹	تأیید
	بروز ناهنجاری اجتماعی	۲۳۲	۰/۰۰۰	٤.۸۷	۳.۲۵	تأیید
	تغییر نگرش اجتماعی	۲۳۲	۰/۰۰۰	٦.۲۱	۳.۵٦	تأیید

ج۲. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای اثرات رشد کلان‌شهری در بعد اجتماعی در روستای مهرآباد از دیدگاه خانوارهای روستایی، ماخذ: مطالعات میدانی، نگارندگان: ۱۳۹۷.

در بعد اجتماعی شاخص رشد پدیده شهرگرایی، دارای بیشترین مقدار آماره t و مقدار میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/٦۷، است و بیشترین تأثیر را از رشد شهرگرایی در روستای مهرآباد پذیرفته‌است. در مقابل شاخص بروز ناهنجاری‌های اجتماعی به‌عنوان شاخصی است که با کمترین مقدار میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/۲۵ و در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ تأثیرات رشد کلان‌شهری بر آن محاسبه شده‌است. درمجموع نیز میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/۳۵، در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، نشان‌دهنده اثرگذاری پدیده رشد شهری در سطح اطمینان ۹۹ درصد بر افزایش نارسایی‌های بعد اجتماعی در روستای مهرآباد است. این در حالی است که همیشه نواحی روستایی به‌عنوان محیط‌هایی شناخته می‌شوند که از حیث شاخص‌های اجتماعی مانند سرمایه‌های اجتماعی، ارزش‌ها و ساختارهای عرفی و سنتی و کم بودن ناهنجاری‌ها و نابرابری‌ها در وضعیت رضایت بخشی قرار دارند. براین‌اساس وقوع پدیده رشد شهری در روستای مهرآباد، نه‌تنها مانع توسعه روستا شده بلکه در آینده نیز، مشکلات اجتماعی آن تشدید خواهد شد.

بعد اقتصادی

بررسی وضعیت تغییرات شاخص‌های بعد اقتصادی متأثر از پدیده خزش شهری در روستای مهرآباد نشان می‌دهد که این پدیده در تمامی مؤلفه‌های اقتصادی

مورد بررسی تأثیرگذار بوده‌است، مهم‌ترین مؤلفه اثرپذیر از این پدیده عدم تعادل در وضعیت اشتغال روستا است که بالاترین میزان آماره t و بیشترین حد میانگین را با ۳.۸٤ پذیرا بوده است. برهمین‌اساس و در اثر برهم خوردن تعادل در اشتغال روستا، درآمد و پس‌انداز روستاییان در مرحله دوم کاهش پیدا کرده‌است. این مؤلفه با میانگین ۳.٦۷ در مرحله دوم قرار گرفته‌است. درمجموع نیز، مؤلفه‌های اقتصادی در روستای مهرآباد با میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/٤۰ در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و با اطمینان ۹۹ درصد تأیید گردید. جدول شماره ۳ نتایج آماره t را در مؤلفه‌های اقتصادی مورد بررسی در روستای مهرآباد نشان می‌دهد.

بعد	مؤلفه	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	آزمون T	حد میانگین	نتیجه
اقتصادی	عدم تعادل در اشتغال	۲۳۲	۰/۰۰۰	۹.۳۵	۳.۸٤	تأیید
	افزایش هزینه‌ها	۲۳۲	۰/۰۰۰	۵.۵۱	۳.۵۱	تأیید
	کاهش درآمد و پس‌انداز	۲۳۲	۰/۰۰۰	۸.٤۵	۳.٦۷	تأیید
	بورس‌بازی زمین و افزایش قیمت زمین	۲۳۲	۰/۰۰۰	٤.٦۵	۳.۲۹	تأیید
	کاهش رغبت به فعالیت تولید (کشاورزی و دامداری)	۲۳۲	۰/۰۰۰	٤.۸۷	۳.۲۵	تأیید
	وابستگی درآمد به شهر	۲۳۲	۰/۰۰۰	۷.۲۱	۳.۵٦	تأیید

ج۳. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای اثرات رشد کلان‌شهری در بعد اقتصادی در روستای مهرآباد از دیدگاه خانوارهای روستایی ماخذ: مطالعات میدانی، نگارندگان: ۱۳۹۷.

نتیجه

این پژوهش به بررسی و ارزیابی تأثیرات پدیده شهرگرایی و رشد شهری به‌صورت رسمی و یا غیررسمی در روستای مهرآباد پرداخته‌است، مهم‌ترین هدف پژوهش ارزیابی اثرات اجتماعی و اقتصادی این پدیده بوده‌است و به اثرات کالبدی، محیطی و ... نپرداخته‌است؛ به همین منظور سؤال اصلی پژوهش این بوده که رشد و گسترش شهری، چه اثرات اجتماعی-اقتصادی را در روستای مهرآباد دربر داشته‌است؟

به‌منظور پاسخگویی به سؤال پژوهش از روش کیفی و کمی بهره گرفته شد و در مرحله کیفی تعداد ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام یافت و به روش گراندد تئوری و با کدگذاری مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت و مدل زمینه‌ای هر یک از ابعاد با توجه به مفاهیم، مؤلفه‌ها و مقوله‌های به‌دست‌آمده ترسیم گردید.

سپس با استفاده از روش کمی و به‌وسیله پرسش‌نامه شاخص‌های دو بعد اجتماعی و اقتصادی از خانوارهای ساکن در روستا مورد پرسش و ارزیابی قرار گرفت و در ادامه با کمک نرم‌افزار SPSS نتایج مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. نتایج بیانگر آن بود که در هر دو بعد مورد بررسی پدیده رشد شهری در روستا تأثیرگذار بوده‌است؛ در بعد اجتماعی شاخص رشد پدیده شهرگرایی با میانگین ۳.٦۷ در رتبه اول قرار گرفت و سپس شاخص تغییر نگرش اجتماعی با میانگین ۳.۵٦ در رتبه بعدی قرار گرفت، نتایج نشان داد که در همه شاخص‌ها میانگین از ۳ بالاتر بوده‌است و پدیده رشد و گسترش شهری در همه شاخص‌های اجتماعی روستا تأثیرگذار (با شدت و ضعف) بوده‌است. دراین‌بین کمترین میزان تأثیر آن در بروز پدیده ناهنجاری‌های اجتماعی بوده‌است که اثر آن از سایر شاخص‌ها کمتر بوده‌است.

در بررسی بعد اقتصادی نتایج نشان داد که شاخص عدم تعادل در اشتغال بالاترین میانگین را داشته‌است و این شاخص در روستا در اثر شهرگرایی تعادل بین درآمد، تولید، اشتغال و زندگی روستایی را برهم زده‌است، در گذشته با اشتغال خانوارها به کشاورزی و

دامداری مایحتاج خانوار و زندگی در حد قابل قبولی بوده‌است، درحال‌حاضر با کاهش فعالیت‌های دامداری در اثر کاهش مراتع و کاهش زمین‌های کشاورزی از یک و عدم رغبت و تمایل جوانان به کشاورزی و دامداری باعث عدم تعادل شده‌است و بر همین مبنا با افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمد در مرحله دوم زندگی اقتصادی خانوارها تحت‌الشعاع قرار گرفته‌است. در این بعد بالاترین میانگین به‌ترتیب ۳.۸٤، ۳.٦۷ و ۳.٥٦ به عدم تعادل در اشتغال، کاهش درآمد و افزایش هزینه‌ها و وابستگی درآمد به شهر است که این موضوع در یک سیستم به‌هم‌پیوسته باعث نارسایی و دگرشی در بعد اقتصادی روستای مهرآباد شده‌است.

فهرست منابع

– افراخته، حسن. (۱۳۹۲)، نقش جریانات فضایی در فرایند خزش روستایی مطالعه موردی، ناحیه سلیمان‌آباد. فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی فضایی، شماره ۲، صص ۹– ۲٤.

– افراخته، حسن؛ حجی‌پور، محمد. (۱۳۹۲)، خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند. فصلنامه جغرافیا (فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیا)، شماره ۳۹، صص ۱٥۸– ۱۸٥.

– جلالیان، حمید؛ ضیائیان، پرویز؛ دارویی، پرستو؛ کریمی، خدیجه. (۱۳۹۲)، تحلیل خزش شهری و تحولات کاربری اراضی مطالعات تطبیقی شهرهای ارومیه و اصفهان. فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی فضایی، سال دوم، شماره ٤، صص ۷۳– ۹۸.

– رضوانی، محمدرضا. (۱۳۹۱)، تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳٤، شماره ٤۳، صص ۸۱– ۹٤.

– سعیدی، عباس؛ رحمانی فضلی، عبدالرضا؛ احمدی، منیژه. (۱۳۹۲)، الحاق شهری سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر زنجان؛ مورد: روستاهای سایان و گاوازنگ. مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۳۳، صص ۳– ۱٦.

– ضیاءتوانا، محمدحسن؛ قادرمرزی، حامد. (۱۳۸۸)، تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری در فرایند خزش شهر روستاهای نایسر و حسن‌آباد سنندج. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۱٦۸، صص ۱۱۹– ۱۳٥.

– کارگر، بهمن؛ رحیم، سرور. (۱۳۹۰)، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

– محمدی، سعدی؛ مرادی، اسکندر؛ حسینی، شرمین. (۱۳۹۷)، شناسایی و تحلیل اثرات خزش شهری بر وضعیت توسعه نواحی روستایی، پیرامون، مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر مریوان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ٥٦، بهار ۱۳۹۷، صص ٦۸– ۹۱.

- Alberti, M., (2005), The effects of urban patterns on ecosystem function, International regional science review, 28(2), 168-192.
- Angel, S., Parent, J. and Civco, D. (2007) "Urban Sprawl Metrics: An Analysis of Global Urban Expansion Using GIS", Proceedings of ASPRS 2007 Annual Conference, Tampa, Florida May 7-11.
- Archer, R.W. (1973) "Land Speculation and Scattered Development: Failures in the Urban-fringe Market", Urban Studies, 10, 367-372.
- Batty, M., Besussi, E., & Chin, N., (2003), Traffic, urban growth and suburban sprawl.
- Bengston, David N.; Robert S. Potts; David P. Facn and Edward G. Goetz (2005) "An Anlysis of the Public Discourse about Urban Sprawl in the United States: Monitoring Concern about a Major Threat to Forests", Forest Policy and Economics Volume 7, Issue 5, August 2005, Pages 745-756.
- Brueckner, J. K. (2000) "Urban Sprawl: Diagnosis and Remedies", International Regional Science Review, 23(2), 160-171.
- Burchell, R., Downs, A., McCann, B., & Mukherji, S. (2005), Sprawl costs: Economic impacts of unchecked development, Island Press.
- Burchell, R.W., Lowenstein, G., Dolphin, W.R., Galley, C.C., Downs, A., Seskin, S., Still, K.G. & Moore, T., (2002), Costs of Sprawl 2000, Transit Cooperative Research Program (TCRP) Report 74, published by Transportation Research Board, Washington
- Clawson, M. (1962) "Urban Sprawl and Speculation in Suburban Land", Land Economics, 38(2), 99-111.
- Downs, A. (1999) "Some Realities about Sprawl and Urban Decline", Housing Policy Debate, 10(4), 955-974.
- Ewing, R., Pendall R., Chen D. (2002) "Measuring Sprawl and its Impact" Vol. 1 (Technical Report). Smart Growth America, Washington D C.

http://www.smartgrowthamerica.org
- Johnson, MP. (2001) “Environmental Impacts of Urban Sprawl: A Survey of the Literature and Proposal Resaerch Agenda”, Environ Plan A 33: 717-735
- Krieger, D. J. (1999). Saving Open Spaces: public support for farmland protection. American Farmland Trust Center for Agriculture in theEnvironment. National Conference Proceedings: The Ohio State University, Columbus, Ohio, September. Available from: http://atvb.ahajournals.org/.
- Lungo, M., (2001), Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America, Land Lines,Volume 13 (2), 28-39.
- Muller ES, Hamilton BW (1994) Urban Economics, Harper Collins College, New York.
- Ostrom , E, (1990), is governing the commons, Cambridge University Press, Cambridge;
- Vescovi, f, d, park, s. & viek. P.l .G (2002), Detection of human-induced and cover change in savannah landscape in Ghana: l. change detection and quantification. 2nd workshop of the earsel special interest group on remote sensing for developing countries, 18-20 September, Bonn, Germany;
- Wilson, E.H., Hurd, J.D., Civco, D.L., Prisloe, S. and Arnold, C. (2003) “Development of a Geospatial Model to quantify”, describe and map urban growth. Remote Sensing of Environment, 86(3), 275-285.

- https://doi.org/10.22034/39.172.33